سرمقاله

گراف بالای بی اعتمادی مردم به حکومت

حفیظ الله ذکی

اکثریت مطلق مردم، بدترین روزها را در یک و نیم سال گذشته تجربه کرده اند. بیکاری، فقر، خروج سرمایه از افغانستان، نگرانی های امنیتی و حتا احتمال شروع جنگ های نیابتی، نابسامانی های سیاسی، تشدید اختلافات قومی، نژادی، سمتی و مذهبی و... شهروندان کشور را در وضعیت آشفته روحی و روانی قرار داده بود. اختلافات سیاسی میان دوتیم پیشتاز انتخاباتی و سرنوشت نامعلوم انتخابات، همه و همه بر آتش درونی مردم می افزود و تن و جان آنها را از درون خاکستر می کرد. این که دولتمردان، سیاستمداران و رهبران گروه ها آیا توانستند این درد و رنج مردم را حس کنند یانه؟ با قاطعیت می توان پاسخ داد که نه. در حال حاضر نیز آنها قادر به درک و فهم مشکلات مردم نیستند، آنچه سیاستمداران را در این یک و نیم سال به خود مشغول داشته زدو بندها و چانه زنی هایی اند که اغلب بر محور منافع شخصی، گروهی و قومی می چرخند و آنچه دراین گیرو دار به فراموشی سپرده می شود، منافع علیای کشور و نیازها وتقاضاهای برحق مردم افغانستان است.

در آغاز تشکیل حکومت وحدت ملی گرچه بسیاری بر این باور بودند که عمر این حکومت درهمین زدو بندها خواهد گذشت و هیچ بهبودیی در کار حکومت و زندگی مردم به وجود نخواهد آمد؛ اما بازهم تعدادی امیدوار بودند که هردو تیم شریک در قدرت، بادرک وضعیت آشفته و نگران کننده کشور اندکی منافع شخصی و گروهی را کنار گذاشته و روی اوضاع کلی کشور تمرکز نمایند. به این ترتیب شاید روزنه ای برای بیرون رفت از فقر، گرسنگی، بیکاری و بی سرنوشتی باز شود و شاید گرهی از مشکلات بیشمار این مردم گشوده شود.

کارکرد حکومت در یک سال گذشته به خوبی روشن ساخت که آنچه برای دوتیم شریک در قدرت اهمیت دارد، منافع خودشان اند. منافع ملی را در صورتی مد نظر می گیرند که در راستای تحقق منافع شخصی خودشان باشند و اگر تأمین منافع ملی نتواند منافع شخصی سردمداران حکومتی را تضمین کند، به راحتی کنار زده می شود. در یک سال گذشته بسیاری از فرصت ها و زمینه ها در لابلای چانه زنی های درونی حکومت از بین رفت و بسیاری از مسایل اساسی و مهم ملی به باد فراموشی سپرده شد.

رییس جمهور در نخستین روزهای کاری اش به مردم می گفت که شش ماه بعد، ملت بیاید از من امتحان بگیرند اگر در امتحان ناکام شدم، استعفاء می دهم. اما ما دیدیم که در شش ماه نخست، حکومت حتا نتوانست کابینه خود را تکمیل کند. حال که یک سالگی حکومت هم تکمیل شده باز مردم در باره حکومت قضاوت منفی دارند و از کارکرد حکومت راضی نیستند. در یک سال اخیر سرمایه ها از کشور خارج شد، زمینه های سرمایه گذاری از بین رفت، پروژه های اقتصادی متوقف گردید، سطح درآمد ملی کاهش پیدا کرده و مبارزه با فساد در گیرودار رقابت های ناسالم سیاسی به ناکامی مواجه گردید. وجود فساد به معنای عدم رعایت و تطبیق قوانین و به وجود آمدن هرج و مرج در جامعه بوده که برنامه های اقتصادی دولت را درهمه عرصه ها ضرب صفر می سازد. به لحاظ چینیش و آرایش نیروهای انسانی در ادارات حکومتی شاید این حکومت یکی از بدترین حکومت های افغانستان به شمار برود که جز در دوره نورمحمد تره کی، نظیر آن در تاریخ کشور دیده نشده است. حکومتی که اصل شایستگی و کارایی و تعهد در آن حتا به میزان ده درصدی هم رعایت نمی شود.

نابسامانی های درونی حکومت وحدت ملی درعین حالی که نمی تواند به انتظارات اولیه شهروندان پاسخ گوید، بیشترین فرصت را برای مخالفان مسلح دولت نیز فراهم ساخته، تا از آن به نفع خود استفاده کرده و مردم را علیه حکومت ونظام ترغیب و تشویق نمایند.

در حالی که حکومت در یک سال گذشته کار اساسی را به انجام نرسانده که سبب تحول مثبت در وضعیت امنیتی، اقتصادی و سیاسی گردد و یا کاستی ها وخلأ های بجا مانده از حکومت قبلی را پر کند؛ اکنون خود در معرض پرسش های شهروندان در مورد سیاست ها و عملکردهای ناسنجیده خود قرار گرفته است؟

واکنش ها به ماندن نیرو های آمریکایی در افغانستان

علی قادری

پس از آنکه باراک اوباما استراتژی جدید خود را در مورد افغانستان اعلان نمود، واکنش های متفاوت در سطوح مختلف ایجاد نمود. واکنش ها را می توان به صورت کلان به دو دسته موافقان و مخالفان تقسیم کرد. در یک طرف، اشرف غنی، رئیس جمهور کنونی کشور قرار دارد که از ماندن ۵۵۰۰ سرباز آمریکایی پس از سال ۲۰۱۶ استقبال کرد. در طرف مقابل اما، حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین افغانستان قرار دارد که واکنش منفی نسبت به ماندن نیرو های آمریکایی در افغانستان نشان دادند. شهروندان کشور نیز به دو دسته تقسیم شدند. برخی، جانب حامد کرزی را گرفتند و برخی نیز جانب اشرف غنی را. اکنون این سوال مطرح است که ماندن نیرو های آمریکایی آیا به سود کشور است؟ آیا حضور نیرو های آمریکایی پیوندی با گسترش ناامنی و یا بهبود امنیت دارد؟ در ذیل تلاش می شود با تمرکز به دو نوع واکنش سوال های مذکور را پاسخ دهم.

حامد کرزی، رئیس جمهور قبلی استدلال نموده است: «مردم افغانستان چهارده سال قبل حضور نیرو های ایالات متحده آمریکا را به این امید پذیرفتند که نتیجه آن امحای تروریسم و برگشتن صلح کامل به کشورشان باشد. اما حضور نیرو های خارجی تحت نام جنگ علیه تروریسم نه تنها اینکه تروریسم را ریشه کن نساخت برعکس تروریسم در این مدت قوت بیشتر یافت». در این مورد تذکر دو نکته ضروری است. اول؛ تفکیک میان تروریسم و طالبان یک امری از بنیاد اشتباه است. کاری که حامد کرزی در طول چند سال ریاست جمهوری خود تلاش ورزید. عملکرد القاعده و گروه طالبان هیچ تفاوتی ندارد. اگر القاعده با انتحار، انفجار و حمله بر اماکن عمومی و قتل و کشتار مردم ملکی به دنبال گسترش دهشت است گروه طالبان نیز دست به چنین اقدامی می زند. از این جهت، شفقت و مهربانی شما در چندین سال با گروه طالبان محل پرسش دارد. این سوال مطرح است که آیا گسترش ناامنی ریشه در شفقت و مهربانی و حمایت شما از گروه طالبان ندارد؟ اگر پیوندی میان گروه طالبان و القاعده و دیگر شبکه های تروریستی وجود ندارد، چرا رهبر جدید گروه طالبان بیعت رهبر شبکه القاعده را پذیرفت و به آن پاسخ داد و بیان داشت که از شبکه القاعده حمایت می کند. نگارنده بر این باور است که یکی از مهمترین و اساسی ترین دلیل ناامنی به خاطر شفقت و مهربانی جناب حامد کرزی با گروه طالبان بوده است. با این حال، مسئله گسترش ناامنی و حضور آمریکایی همچنان یک سوال و معما است.

حامد کرزی گفته است که «متاسفانه امضای قرارداد دو جانبه امنیتی و دفاعی با آمریکا نیز برخلاف انتظار مردم افغانستان کاهش ناامنی نگردید بلکه دامنه جنگ را وسیعتر ساخت». در زمان که مسئله پیمان امنیتی میان افغانستان و ایالات متحده آمریکا مطرح بود، فهم عموم بر این بود که امضای این پیمان منجر به بهبود وضع امنیتی می شود. اما، امضای این پیمان منجر به چنین امری نشد. بعد از امضای پیمان امنیتی ناامنی ها گسترش یافت. از این جهت، این معما وجود دارد که چرا وضعیت امنیتی کشور بعد از امضای پیمان امنیتی بدتر شد. در این ارتباط چند نکته وجود دارد. اول؛ می توان همسو با تیم حامد کرزی این استدلال را مطرح کرد که گسترش ناامنی در افغانستان به معنی توجیه و مشروعیت بخشیدن به ماندن سربازان آمریکایی در افغانستان است. به عبارت دیگر، گسترش ناامنی را به خود آمریکایی ها پیوند دهیم. این استدلال بیش از آن که منطقی و عقلانی باشد بیشتر به توطئه نزدیک است. زیرا، با امضا شدن پیمان امنیتی میان دو کشور دیگر توجیه و مشروعیت بخشی به ماندن سربازان از مجرای ناامنی سازی معنی و مفهوم ندارد. زیرا، خود پیمان به ماندن آمریکایی ها در افغانستان را مشروعیت می بخشد. از این جهت، استدلال مذکور بیش از آن که منطقی باشد، بیشتر توطئه یک حلقه ای از نخبگان سیاسی است. دوم؛ با وجود امضا شدن پیمان امنیتی اما در کنار آن خروج کامل نیرو های آمریکایی از افغانستان نیز مطرح شد. این مسئله منجر به تشویق کشور های منطقه در حمایت از گروه های مخالف مسلح دولت شد. این مسئله بر همه روشن است که گروه طالبان و دیگر شبکه های تروریستی از سوی برخی کشور های منطقه حمایت می شود. برای آن ها شکل گیری یک حکومت دموکراتیک با ثبات به نفع شان نیست. از این جهت، در صدد آن است تا یک حکومت بی ثبات و وابسته به آن ها در کابل شکل بگیرد و در راستای منافع کشور های حمایت کننده شان عمل نماید. سوم؛ گروه طالبان با حمایت شخص حامد کرزی و تیم همراه شان قدرتمند شد. زمانی که پیمان امنیتی امضا شد آن ها از لانه های خود بیرون شدند و با انگیزه بیشتر در برابر نیرو های امنیتی کشور جنگ را آغاز نمودند. این دو استدلال اخیر در باب گسترش دامنه ناامنی بیشتر صادق می نماید.

با این حال، نیازمند آنیم تا مفاد پیمان امنیتی میان دو کشور تحقق یابد. زیرا، گسترش ناامنی در کشور منجر به ایجاد و شک و تردید نسبت به حضور آمریکایی ها در کشور می گردد. این شک و تردید ها همراه با گسترش ناامنی ممکن منجر به بسیج مردم علیه آمریکایی ها گردد. در آن صورت، کنترل وضعیت سخت و دشوار می شود.

با این حال، واکنش اشرف غنی نسبت به ماندن سربازان آمریکایی در افغانستان بیشتر عقلانی می نماید. اول؛ ماندن سربازان آمریکایی باعث می شود که بخش از نیرو های کشور های عضو ناتو نیز در افغانستان بمانند. در کنار اینکه ممکن تأثیری بر وضعیت امنیتی کشور داشته باشد، باعث می شود که این کشور ها با افغانستان روابط خود را حفظ نماید و افغانستان یکبار دیگر به باد فراموشی سپرده نشود. دوم؛ حضور آمریکا در افغانستان مانع از مانور قدرت های منطقه در افغانستان می شود. فراموش نکنیم که چین، پاکستان، هند، ایران، روسیه به افغانستان چشم دوخته است. پاکستان اکنون به صورت پنهانی از گروه طالبان حمایت می کند، در صورتی که آمریکا از افغانستان به صورت کامل سربازان خود را خارج سازد، این حمایت علنی خواهد شد. افغانستان دوباره به میدان جنگ تبدیل خواهد شد و کشور های مذکور در دو قطب مخالف هم تقسیم خواهد شد. بنابراین، واکنش رئیس جمهور غنی عقلانی تر به نظر می رسد.

در پایان این نوشتار باید یک بار دیگر متذکر شد که حضور نیرو های آمریکایی به نفع افغانستان است. آن هم در شرایط که تحولات در منطقه و جهان شتاب گرفته است. در وضع کنونی بدون آمریکا افغانستان قادر به مدیریت کشور و بازی در سطح منطقه نمی باشد. آمریکا اگر هیچ سودی برای افغانستان نداشته باشد، مانع مداخله برخی کشور ها در افغانستان می شود. اگر چه اکنون برخی کشور های همسایه در مسائل افغانستان مداخله می کند اما این مداخله علنی نیست. اگر آمریکا از افغانستان برود، بدون شک، این مداخله علنی خواهد شد.

عاشورا، از شور تا شعور!

داوودناظری

تجلیل و بزرگداشت از ارزش‌های دینی، مذهبی و عقیدتی همه ملیت‌های ساکن در افغانستان، در قانون اساسی این کشور تسجیل گردیده است. مطابق ماده های ۲ - ۶۹ و ۱۰۲ قانون اساسی، همه اتباع کشور حق دارند که آرمان ها و ارزش‌های مذهبی خودرا زنده نگهدارد و به گرمی از آن تجلیل کند. قیام ستم ستیز امام حسین(ع) نواسه رسول خدا و امام سوم شعیان، به عنوان تجلی‌گاه عبودیت و بندگی، تبلور عشق و دلدادگی، اوج شکوه تسلیم و سرسپردگی در برابر مسؤلیت‌ها، یکی از روزهای بزرگ مذهبی در کشورهای اسلامی از جمله افغانستان به شمار می‌رود. از روز عاشورا، به حیث روز رهایی دین از دام خواست ها و علایق شخصی و روز شهادت امام حسین و هفتاد و دو تن از یاران با وفایش، همه ساله در افغانستان به گرمی تجلیل می‌شود. در روز عاشورا بیشتر مسؤلیت شناسی ها به اوج خود می‌رسد؛ مسؤلیت شناسی در برابر خداوند(ج) در برابر مردم، دربرابر وطن، در برابر همسایه و در برابر خانواده، در برابر نفس، جان، مال و ناموس. همه اقشار جامعه اعم از مردان، زنان، پیران و جوانان، عالمان دینی، رسانه گران، نویسندگان، شاعران، حاکمان، هرکدام باید مسؤلیت های خودرا شناخته و به آن پا بند باشند. ماهیت نهضت کربلا، نیت خالصانه و اهداف عالی و رسالت‌مندانه امام حسین(ع) و یارانش، باعث ماندگاری و گسترش حماسه عاشورا شده است. اما حسین(ع) و یاران با وفایش، در راه آرمان های معنوی جان خودرا قربانی کرد و خداوند متعال(ج) نیز در پاسخ به این ایثار و فداکاری، حضور اورا در لحظه لحظه زندگی ملتش تداوم بخشید و آرمان اورا زنده و جاوید نگهداشت. قیام کربلا از آغاز تا پایان، بر اساس منطق، شعور، تعقل، تفکر و خردگرایی استوار بوده است. تفکر و عقل گرایی جزء جدا ناپذیر عاشورا است و عاشورا و منطق، دولبه یک مقراص است که بدون همدیگر برندگی ندارد. همان قسمی که شور عاشورا همه ساله در حال افزایش است باید شعور عاشورا نیز در بین مردم افزایش پیدا کند. مدیریت سالم مراسم های عزاداری محرم و جهت دهی آن به سوی تعقل، خِردگرایی و منطقی بودن، یکی از ضروریت های اجتماعی و مسؤلیت های بزرگ در افغانستان محسوب می‌شود. اگر مراسم عاشورا به صورت درست و اساسی مدیریت شود، یک فرصت استثنایی خوبی برای آگاهی دهی به مردم و تحکیم وحدت ملی در کشور می‌باشد.

هرگونه بی توجهی و فرار از مسؤلیت در این مورد، مراسم پرشکوه عاشورا را از منطقی بودن و معنویت تهی ساخته و باعث برباد رفتن همه‌ای دستاوردها و تلاش‌ها می‌گردد. توهین به عقاید دیگران، اذیت و آزار مردم، ایجاد آلودگی صوتی، فحاشی و توهین به رهبران و بزرگان دینی، عربده کشی در جاده ها و بندساختن راه های مردم، اسراف در خیرات و نذورات و فراموش کردن اصل دین، جلوه های نمایشی و نصب پرچم های بزرگ بالای موترها، موتور و بایسکل ها، تیغ زنی و قمه زنی، عزاداران را از اهداف امام حسین(ع) دور می‌سازد و تعقل و خِردگرایی محرم را زیر سوال می‌برد. همه‌ی مجتهدین و عالمان دینی، خرافه گرایی، تیغ زنی و قمه زنی را در روزهای عاشورا حرام اعلام کرده؛ ولی یک تعداد افراد و اشخاصی که بیشتر اسیر باورهای شکننده اجتماعی شده اند، در روزهای عزاداری امام حسین(ع) دست به چنین کارهای می‌زنند.

ترویج فرهنگ نماز ظهر عاشورا، تحکیم وحدت ملی، نام‌گذاری بانک مرکزی خون کشور به نام بانک خون امام حسین(ع) تقویت همدستی و همدلی ملیت‌ها و مذاهب مختلف در کشور، تبیین و تشریح ارزش های دینی و اجتماعی، بالارفتن شعور و آگاهی مردم در مورد مسایل مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، شناسایی نیازها و مشکلات مردم در روزهای محرم، به وجود آمدن طغیانهای بزرگ عدالت خواهی و ظلم ستیزی، تقویت روحیه مسؤلیت شناسی، برگشت و توبه بسیاری از جوانان از عمل های خلاف به سوی کارهای نیک، ترویج نرمی و مدارا در خانواده و جامعه و تقبیح خشونت، تقویت روحیه آزادگی و عدالت خواهی، آگاهی زنان و نوجوانان نسبت به حقوق و جایگاه شان، از مهمترین دستاوردهای عاشورا در طول چندسال گذشته در افغانستان بوده است. اگر برنامه های محرم و عاشورا به خوبی مدیریت شود، این دستاوردها ماندگار می‌شود و همه ساله مراسم عاشورا پرشکوه تر می‌گردد. مدیریت سالم برنامه های عزداری باعث می‌شود که این حماسه بزرگ، به یک سرمایه مشترک میان تمام مذاهب اسلامی تبدیل شود.

مردم باید با پوشیدن لباس سیاه، برگزاری مراسم های تبلیغی و ارشادی، سیاه پوش ساختن حسینه ها، نذر و خیرات و ختم قرآن، از روزهای عاشورا تجلیل نماید. تمام برنامه های عزاداران باید مطابق منطق بشری بوده و با اوضاع کنونی کشور سازگاری داشته باشد. عزاداران باید تلاش کنند که از تحریف ها دور شوند و همان قسمی که بر شور محرمی افزوده بر شعور محرمی نیز بیافزاید. جوانان باید تلاش کند که تمامی اعمال شان در روزهای عاشورا باعث تحکیم وحدت ملی، اصلاح جامعه، ترویج روحیه آزادگی، تقویت حقوق بشر، تقویت ارزش‌های رهبری در جامعه، تقویت مشارکت سیاسی، تقویت روحیه مسؤلیت شناسی ها، آگاهی دهی به افراد جامعه، ترویج رهبری خوب در بهره گیری برای استفاده از عناصر موجود، اصلاح جوانان جامعه و باعث تجدید میثاق با ارزش های دینی گردد. عالمان دینی و روشنفکران و مبلغان باید با استفاده از این فرصت خودجوش، برای باز آفرینی صحنه های مملو از عشق و محبت به وطن و مردم استفاده کند و ملت را برای حمایت از یک آرمان ملی واحد تشویق و ترغیب سازد. عالمان دینی باید با استفاده از این فرصت تبلیغی، چهره خفاش دشمن را برای مردم آشکار ساخته و فریب و نیرنگ آنان را برای مردم آشکار سازد. در طول تاریخ کسانی که مراسم های عاشورا را خوب مدیریت کردند، از این طریق، موج های عظیم عدالت خواهی و آزادی را برای مردم خویش به وجود آوردند. تمامی استادان، مبلغان، روضه خوانان و واعظان کشور مسؤلیت وجدانی و ایمانی خودرا در نظر بگیرند و از طریق منابر، مساجد، تکیه خانه ها، رادیو و تلویزیون و از طریق روزنامه ها، برای مردم آگاهی بدهند و پرده خرافات، جعلیات، ابهامات و شبهات را از پیش چشم آنان بردارد. اگر دولت و مسؤلان پول هنگفتی را مصرف کنند و تمامی زحمات را متقبل شوند و همه ابزار تبلیغاتی را بسیج کنند، نمی تواند به اندازه یک روز مراسم محرم، مردم را به پای تبلیغ جمع کنند و به آنان آگاهی بدهند. اما در ماه محرم، مردم به صورت خودجوش و با علاقه مندی خاص در مساجد و منبرها جمع می شوند و آماده شنیدن هستند. بیشتر افراد جامعه به خصوص زنان و جوانان که در طول سال به تبلیغ دینی دسترسی ندارند، محرم و عاشورا یک فرصت خوبی برای آگاهی دهی در مورد مسایل مختلف به افراد جامعه می باشد. در مراسم های عاشورایی باید نهایت تلاش صورت گیرد تا محتواهای برنامه های تبلیغی بیشتر گردد و آگاهی اقشار مختلف و محروم جامعه بالا برده شود.

تقویه روحیه محبت و همدیگر پذیری، آگاهی دهی برای مردم در مورد دلیل وقوع حادثه عاشورا و دستاوردهای ان، تقویت ارزش های دینی و اسلامی، کمک به یتیمان و بیوه زنان، دستگیری از محرومان جامعه، پرهیز از تجملگرایی و اسراف در جامعه، اصلاح برنامه های اجتماعی، مبارزه با فرهنگ سنتی و خرافاتی، مبارزه با خشونت علیه زنان و افزایش آگاهی خانواده ها، ترویج فرهنگ همدیگر پذیری در بین مردم، از مهمترین راهکارهای افزایش شعور عاشورایی به شمار می رود.

خلاصه کلام

۱ - همان قسمی که شور عاشورایی در کشور در حال افزایش است، باید شعور عاشورایی نیز در حال افزایش باشد.

۲ - عاشورا همواره بر شعور و خِردگرایی استوار بوده و بدون آن هیچ برندگی ندارد. بخاطری که منطق، عقل و شعور، با عاشورا، دو لبه مقراص را تشکیل می‌دهد.

۳ - عزاداران باید در ماه محرم از هرگونه عمل حساسیت برانگیز دوری کند وتلاش شان بر این باشد که تمام اعمال خودرا با اهداف و آرمان امام حسین(ع) نزدیک سازد.

کارتون روز

کودکان جنگ

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan

صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
کاریکاتوریست: خالق علی زاده
دیزاین: علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

روزنامهٔ افغانستان از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

Daily Outlook AFGHANISTAN